

تامین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه های دینی

مصطفی احمدی فر: * دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، گروه علوم قرآن و حدیث
محمد علی رضایی اصفهانی: دانشیار، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث

دو فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم
 سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۷-۲۷
 تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۱

چکیده

در حالیکه جهان با شتاب توصیف ناپذیری به سوی صنعتی شدن و جهانی عاری از دشواری و سختی و تحولات عمیق فن آوری در حال حرکت است، همچنان موضوع بیماری ها و مشکلات روانی، موضوعی در خور توجه و نه چندان خشنود کننده به حساب می آید. از جمله بیماری روانی که دامنگیر جوامع گشته، بیماری دهشتناک اقتصادی است. این بیماری روح و روان جوامع را هدف قرار داده و آشفتگی روانی، اقتصادی و پریشان حالی را به دنبال خواهد داشت. قرآن کریم و روایات، در خصوص این موضوعات به لحاظ مبنایی و محتوایی از غنای والایی برخوردار است و نقش بسزایی در کاهش و از بین بردن فشارهای روانی و تقویت یا تامین بهداشت روانی در اجتماع، دارد. اسلام (قرآن و حدیث)، راهکارها و سفارشهایی در این بین دارد که زمینه ساز تقویت روحی و روانی افراد در اجتماع می باشد؛ آن سان که فشارهای روانی اقتصادی مردم را از بین می برد و بهداشت روانی اقتصادی آنان را در این زمینه تقویت و یا تامین می کند. از جمله مطالب یاد شده در این باره می توان از عمده ترین بیماریهای روانی اقتصادی، پیامدهای آنان در اجتماع و راهکارهای قرآن و حدیث جهت درمان این بیماری نام برد.

کلید واژه ها: بهداشت روانی اقتصادی، فقر، اتراف، سرقت، قرآن، حدیث

مقدمه

موضوع، از موضوعاتی است که پیش روی محققان است. بهداشت روانی اقتصادی یکی از نیازهای اجتماع است و بدیهی است هر گونه تلاش در زمینه دستیابی به آرامش روانی اقتصادی، مستلزم پژوهش‌ها و تحقیقات وسیع پژوهشگران و محققان و به کار بستن نتایج پژوهش‌ها توسط دستگاه‌های اجرایی است. بدین سان تأمین بهداشت روانی اقتصادی افراد به عنوان یک اقدام مثبت اقتصادی، برای تمام کشورها و ملتها جنبه الزامی دارد [۱]

دین مبین اسلام، از دیر باز این معضل را پیش بینی کرده و ضمن تشریح علل آرامش روحی و روانی، راهکارهایی برای پاسخ به این نیاز اساسی بشر ارائه داده است تا جوامع بشری در برابر فشارهای روانی اقتصادی دچار آشفتگی نگشته و افراد انسجام شخصیتی و بهداشت روانی خود را حفظ کنند.

اسلام، به روابط اقتصادی سالم انسانها توجه داشته و خواستار این مهم است که روابط اقتصادی باید به گونه ای باشد که سلامت و بهداشت روان افراد به خطر نیفتد.

ادبیات تحقیق

الف) مفهوم شناسی:

۱- مفهوم شناسی بهداشت روان:

تعریف بهداشت و سلامت روان، چندان ساده نیست و برخی بر این باورند که اصولاً تعریف سلامت روانی ممکن نیست و مشکل بحث بهداشت روانی هم از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هنوز تعریف صحیح و قابل قبولی برای هنجار، بیماری و سلامتی در دست نیست. اصطلاح بهداشت روانی از آن دسته از مفاهیمی است که در روانشناسی مورد مناقشه فراوانی بوده و هست و این جدال از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هنوز تعریفی صحیح برای بهنجاری نداریم. از سوی دیگر تعاریفی از بهداشت روان، ارائه گردیده که برخی از آنان را بررسی می‌نماییم.

سازمان جهانی بهداشت (World Health Organization)، بهداشت روانی را چنین تعریف می‌نماید:

«بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی، بهداشت تنها نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست.» [۲] در تعریف دیگر چنین آمده است: بهداشت روانی به معنای سلامت فکر است و منظور نشان دادن وضع مثبت و سلامت روانی است که می‌تواند به ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل فردی، ملی و بین‌المللی کمک نماید؛ زیرا وقتی سلامت روانی شناخته شد، برای دستیابی به آن اقدام می‌شود و بدین رو راه برای تکامل

کسب آرامش و اطمینان و دوری از پریشان حالی یکی از اساسی‌ترین نیازهای فطری بشر است و از دیر باز جزء مسائل اساسی بشر بوده است. جوامع بشری همچنان شاهد وجود هزاران بیمار روانی و گسترش پدیده‌هایی نظیر فقر، جنگ، اعتیاد، خودکشی، و بزهکاری و دیگر بیماری‌هاست، که چون خوره ای روح و جان انسان‌ها را در بر گرفته و آنها را به تدریج به هلاکت می‌رساند. و از آنجا که مسائل اقتصادی نقش شگرفی در روان افراد دارد از این رو یکی از اهداف و برنامه‌های نظام‌های اجتماعی، تلاش برای بالا بردن رفاه، بهزیستی و بهداشت روانی اقتصادی افراد است؛ چرا که بهداشت روانی - اقتصادی یکی از نیازهای ضروری افراد در جامعه تلقی می‌گردد و عملکرد مطلوب جامعه مستلزم برخورداری از افرادی در شرایط مطلوب از حیث سلامت و بهداشت روانی (Mental Health) است. اما هزاره سوم میلادی در شرایطی آغاز می‌گردد که جهان همچنان درگیر مشکلات عدیده ای در ابعاد روانی اقتصادی است. و انسان مضطرب، افسرده و بحران زده عصر حاضر، بیش از هر زمانی دیگر، خود را در آستانه سؤالاتی اساسی در مقوله ارزش‌ها و سلامت روانی می‌یابد و عامل پیدایش بسیاری از ناسازگاریها و نابهنجاریها را تضادهای ارزشی و عدم استقرار یک نظام ارزشی اقتصادی سازمان یافته شده در فرد و جامعه می‌داند و اینک با توجه به اهمیت این موضوع، هزینه ای که کشورهای جهان بابت پیشگیری و درمان بیماریهای روانی اقتصادی و یا مبارزه با برخی ناهنجاریهای روانی اقتصادی پرداخت می‌کنند، سهم قابل توجهی از بودجه کشورها را به خود اختصاص می‌دهد، گرچه این پژوهش‌ها عموماً در کشورهای توسعه یافته صورت گرفته، اما با تمام تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، وضعیت بهداشت روانی اقتصادی در این کشورها رو به وخامت گزارش شده است.

عدم وجود سلامت و بهداشت روانی اقتصادی در اکثریت جوامع بشری و فشارهای ناشی از برخی عوامل بازدارنده، یکی از عواملی است که ضرورت این موضوع را بر همگان گوشزد می‌نماید.

این مسئله مورد پذیرش تمام عقلاست که حل مسائل ملی و بین‌المللی تا حد زیادی به روشن بینی در زمینه روح و روان بشر و جلوه‌های گوناگون آن بخصوص در زمینه اقتصادی، بستگی دارد؛ چراکه وجود یک جامعه سالم اقتصادی و جامعه ای عاری از هر گونه پریشان حالی اقتصادی، مشکلات و مصیبتها، منوط به داشتن افرادی است که سلامت اقتصادی داشته باشند. بدین ترتیب، این

ب- تاریخچه

بررسی تاریخچه و پیشینه بهداشت روان، اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به موضوع بهداشت روان را در پژوهشها روشن نموده و علاوه بر تبیین پیشرفتها، مشکلات و اولویتهای فعلی بهداشت روانی جوامع را مشخص می نماید. در این موضوع، محققان در حوزه علوم اسلامی تحقیقاتی به صورت پراکنده یا در برخی عناوین و مفاهیم بهداشت روانی ارائه و مطالبی را تألیف کرده اند. در کتب و پایان نامه هایی که نگارنده به آن ها دست پیدا کرده به برخی مسائل مربوط به بهداشت روانی از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته شده است. اما اثر مستقلی با عنوان بهداشت روانی اقتصادی، نگاشته نشده است؛ و در برخی از منابع، به بهداشت روانی اقتصادی، به صورت غیر مستقیم اشاره شده است. در این تحقیق تلاش نمودیم موضوع بهداشت روانی اقتصادی را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کنیم و گامی در جهت ارائه دیدگاهی کامل از بهداشت روانی با توجه به منابع اسلام برداریم.

بیماریهای روانی اقتصادی در اجتماع

مواردی که در این بخش بدان پرداخته شده است، از جمله مواردی است که در بهداشت روان جامعه، خلل ایجاد می کند و ظهور این امر، منوط به تفکرو تعمق بیشتری می باشد.

الف) فقر:

فقر یکی از پدیده های نامطلوب اقتصادی است که آثار زیان بار بی شماری در تکوین شخصیت، روان و اخلاق انسانی و نیز در فرهنگ عمومی جامعه بر جای می نهد و سقوط و تباهی مادی و معنوی جامعه و به ویژه تزلزل و تخریب بنیانهای اقتصادی و فروپاشی اخلاقی را باعث می گردد.

۱- فقر، پدیده ای ممدوح یا مذموم؟

در میان متون اسلامی و نصوص و روایات، گاه در یک موضوع، احادیث با محتوای مختلف و گاه متفاوت وجود دارد. فهم این گونه احادیث، جز در پرتو نگرش جامع به احادیث آن موضوع ممکن نیست. اکنون به روایات فقر جستاری می نماییم:

قال علی(ع): «الفقر الموتُ الأكبر؛ فقر، مرگ بزرگتر است.» [۶]

قال النبی(ص): «الفقر أشدّ من القتل؛ فقر، از قتل شدیدتر است.» [۷]

قال النبی(ص): «الفقر سواد الوجه فی الدارین؛ فقر، مایه

فردی و اجتماعی باز می گردد.» [۳]

فرهنگ روانشناسی لاروس، بهداشت روانی را چنین تعریف می کند:

«استعداد روان برای هماهنگ، خوشایند و مؤثر کارکردن، برای موقعیت های دشوار انعطاف پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود، توانایی داشتن.» [۲]

اما در گستره وسیع تر، بهداشت روانی عبارت است از آگاهی به عوامل معنوی و مادی و انگیزه هایی که سلامت فکر و وضع مثبت و اعتدال رفتار و کردار را سبب می شود، که بدان وسیله ساز و کار با ارزشی در مورد تحرک و پیشرفت معنوی و مادی انسان در همه زمینه ها فراهم آید. [۴]

بهداشت روانی در تعریف دیگر عبارت است از مجموعه عواملی که در پیش گیری یا جلوگیری از پیشرفت رونده وخامت اختلالات شناختی، عاطفی و رفتاری در انسان نقش مؤثر دارند. [۵]

انجمن کانادایی بهداشت روانی، بهداشت روانی را در سه قسمت تعریف کرده است:

قسمت اول: نگرش های مربوط به خود، قسمت دوم: نگرش های مربوط به دیگران (با دیگران راحت بودن) و قسمت سوم: نگرش های مربوط به زندگی (روایی با الزام های زندگی).

بر این اساس، نشانه هایی پیدا می شوند که ما را از دشواری های روانی، به ویژه در خود فرو رفتن، پرخاشگری، خودمداری، بی اعتمادی شدید، بی خوابی، اضطراب، خیال بافی، ضعف در کنترل هیجان، نوسان های خلقی و احساس ناتوانی و وابستگی آگاه می سازند.

به علاوه، برای داشتن بهداشت روانی مناسب، باید این شرایط فراهم شود: روبه رو شدن با واقعیت، سازگار شدن با تغییرات، ظرفیت تحمل اضطرابها، کم توقعی، احترام قائل شدن برای دیگران، دشمنی نکردن با آنان و کمک رساندن به مردم. [۲]

۲- مفهوم شناسی بهداشت روانی اقتصادی:

تعریفی از بهداشت روانی اقتصادی در دست نیست، و شاید این عنوان برای اولین بار مطرح می شود ولی با توجه به بررسی ها و پژوهشها، بهداشت روانی اقتصادی را می توان چنین تعریف نمود:

بهداشت روانی اقتصادی در اجتماع، به معنای سلامت فکری اقتصادی جامعه است و منظور نشان دادن وضع مثبت اقتصادی جامعه و سلامت روانی اقتصادی جامعه است که می تواند به ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل فردی، ملی و بین المللی کمک نماید.

سیه روزی هر دو جهان است.» [۸]

قال علی(ع) لإبنة محمد بن الحنفیه: «یا بنی اینی أخاف علیک الفقر، فاستعذ بالله منه فإن الفقر منقصة للدين؛ امام علی(ع) به پسرش محمد بن حنفیه فرمودند: ای پسر من همانا من بر تو بر فقر می ترسم، پس از آن به خدا پناه بر. همانا فقر موجبات نقصان دین را فراهم می کند» [۶]، [۹]

در برابر این روایات نكوهنده، تعداد نسبتاً زیادی روایات ستایشگر هم داریم. [۱۰] که فهم این روایات بظاهر متعارض، یک جا و با توجه به مطالب جنبی دیگر میسر است. بنگرید:

قال الصادق(ع): «کَلَّمَا زَادَ الْعَبْدَ إِيمَانًا زَادَ ضِيقًا فِي مَعِيشَتِهِ؛ همانا ایمان عبد به وسیله تنگدستی در زندگی(فقر) زیاد می گردد.» [۷]

سئل عن النبي(ص): «ما الفقر؟ فقال(ص): خزائن من الله. قيل ثانياً: يا رسول الله ما الفقر؟ فقال(ص): كرامة من الله. قيل ثالثاً: يا رسول الله ما الفقر؟ فقال(ص): شيء لا يعطيه الله إلا نبياً مرسلًا أو مؤمناً كريماً على الله تعالى؛ از پیامبر اکرم(ص) سوال شد: فقر چیست؟ پس گفت: خزائن از سوی خداست. شخص دومی سوال کرد: ای رسول خدا فقر چیست؟ پس گفت: کرامتی از سوی خداست. شخص سومی سوال کرد: ای رسول خدا فقر چیست؟ پس گفت: چیزی است که خدا آن را نمی دهد مگر به نبی مرسلش یا به مؤمن کریمی بر خدای تعالی» [۷]، [۱۱]

و در جای دیگر چنین آمده است:

قال النبي(ص): «اطلعت في الجنة فرأيت أكثر أهلها الفقراء؛ به بهشت نگاهی انداختم، دیدم اکثر مردم آن فقیرانند.» [۱۲]

البته برخی از حدیث پژوهان آشکارا این گونه احادیث را رد نموده اند افزون بر اینکه می توان با توجه به اصول کلی اجتماعی و اقتصادی برگرفته از مبانی دینی، این گونه احادیث را فهمید و در یک جمع بندی دقیق، به نتیجه‌ی مطلوبی دست یافت. بی گمان، تامین معاش و امکانات مادی برای دستیابی به مقام قرب الهی ضرورت دارد. [۱۳]، [۱۴]

لذا برخی از روایات دیگر همین موضوع، نیز به خوبی می تواند بیانگر مراد این روایت باشد و شبهه را برطرف نماید: ابن اثیر از علی(ع) نقل می کند که فرمود: «من أحبنا أهل البيت فليعد للفقر جلباباً؛ کسی که ما اهل بیت را دوست بدارد باید فقر را پوشش خود قرار دهد.(خود را آماده فقر کند)» [۱۵]

این بیان، به خوبی روشنگر آن است که در فضای سیاسی آن روزگار، آنکه حق می گفت و بر محور حق یعنی علی(ع) می چرخید، از بسیاری موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی محروم می شد و مآلاً فقر، بر زندگی اش حاکم می گشت. البته این بحث نیاز به کنکاش بیشتری دارد، لکن به دلیل پرداختن به مسائل

مهم دیگر، از این مهم چشم پوشی می نمایم.

۲- آثار و پیامدهای پدیده فقر در جامعه:

پدیده فقر، به عنوان یکی از مهمترین بیماریهای روانی اقتصادی، آثار و پیامدهایی در اجتماع از خود بر جای می گذارد که مهمترین آنها به قرار ذیل است، بنگرید:

۲-۱- ضد ارزش انگاری ارزشهای فقیر:

فقر مادی نه تنها موجب بی اعتنائی به توانمندی های انسان و نادیده انگاشتن اعتبار اجتماعی وی می گردد، بلکه ارزشهای واقعی او را نیز ضد ارزش جلوه می دهد، در حالیکه گاه کارهای خلاف اخلاق و انسانیت ثروتمندان، به دید ارزش و اعتبار نگرسته می شود، امام علی(ع) می فرماید: «یا بنی ... لو كان الفقير صادقاً يسمونه كاذباً و لو كان زاهداً يسمونه جاهلاً» - فرزندم!... اگر فقیر راستگو باشد، وی را دروغگو نامند و اگر زاهد باشد نادانش خوانند [۷]

۲-۲- انزوا:

نداشتن امکانات مادی، و آثار زیان بار فقر بر شخصیت افراد از یک سو، و حاکمیت ارزشهای تکاثری در جامعه از سوی دیگر، مجالی برای حضور تهیدستان در عرصه ی اجتماعی نمی نهد، گو اینکه آنان در شهر و دیار خود نیز غریبند و تنها.

امام علی(ع) می فرماید: «الغنى فى الغربه و كالفقر فى الوطن غربته؛ توانگری در غربت، چون در میهن خود ماندن است. و فقر و نداری در آن، چون در غربت به سر بردن» از دیدگاه اجتماعی، تهیدستان جایگاه و اعتبار شایان توجهی ندارند. چنانکه امام علی(ع) در وصف آنان به این نکته اشاره فرموده است: «تقتحمه العيون و تحقره الرجال؛ (آنان که) در دیده ها خوارند و مردم حقیرشان می شمارند؟» [۶]

۲-۳- کینه و دشمنی:

نتیجه طبیعی فشارهای اقتصادی و آثار روحی و اخلاقی آن خشم و دشمنی نسبت به زر اندوزان و نظام تکاثری است که خود به اهمیت اجتماعی، صدمات جدی می زند، امیر مؤمنان(ع) در تشریح پیامدهای فقر می فرماید: «فان الفقر ... داعیه للمقت؛ به راستی که فقر، باعث دشمنی است» [۶]

۲-۴- خود کمتر بینی:

فقر مادی احساس حقارت و خود کمتر بینی را به دنبال دارد، گونه ای که حتی فقیر، در میان خانواده خود نیز نمی تواند شخصیت حقیقی و عزت نفس خویش را باز یابد.

۲- آثار و پیامدهای اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) در اجتماع:

بیماری اتراف، آثار و پیامدهای مختلفی در اجتماع به دنبال دارد. مهمترین آنان به قرار زیر می باشد، بنگرید:

۲-۱- ضرر و زیان اقتصادی در جامعه:

پدیده اتراف از نظر اقتصادی، عامل رکود و از جهت اجتماعی عامل فساد و از لحاظ معنوی پرتگاه سقوط و تباهی است. زیان اقتصادی مصرف گرایی و رفاه زدگی، بیش از همه به افراد کم درآمد و جوامع عقب مانده و در حال توسعه می رسد، چه گسترش این پدیده، موجب می گردد تا امکانات و ثروتهایی که بایستی در سرمایه گذاری در بخشهایی زیر بنایی و تولیدی هزینه گردد، به سوی مصرف گرایی و خرید کالاهای تجملاتی و غیر مصرفی خارجی کشانده شود.

۲-۲- اتراف، مهمترین عامل فساد اخلاقی و رفتارهای جامعه:

غرق شدن در شهوتها و هوسها و زیاده روی در لذات جسمانی و عشق به آنان، مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی و انسانی و توجه به بعد روحی باقی نمی گذارد و سنگدلی و مرگ عواطف را به دنبال دارد. [۲۳]، [۲۴] و راه را برای تهذیب اخلاقی می بندد. به ویژه آنکه افتادن در دام هوسها و لذت جوییها، نور و نیروی خرد را سخت ناتوان می کند و پذیرش دعوت ادیان و مصلحان را دشوار می سازد. از سوی دیگر، حفظ دین موقعیت و ادامه آن بیشتر مستلزم یا همراه رذیلت های اخلاقی همچون آزمندی، طمع و بخل است. (نک: قلم / ۱۲-۱۴؛ مدثر / ۱۲-۱۵)

از جنبه ای دیگر، پرداختن به تجملات و کامجوییها، نیز غالباً همراه با ناشایستی های اخلاقی و رفتاری همچون فخر فروشی، خود برتری (نک: سبأ / ۳۴-۳۵) و بی بند و باری خواهد بود و از این رو قرآن کریم، مترفان را مفید معرفی می کند. (نک: شعراء / ۱۴۷-۱۵۲) و فاسق. (نک: اسراء / ۱۶)

۲-۳- اتراف فرهنگها و جوامع:

از دیگر آثار و پیامدهای اتراف در اجتماع، سقوط و نابودی فرهنگها و جوامع می باشد. قرآن کریم با تصریح به این نکته می فرماید: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا؛ چون بخواهیم قریه ای را هلاک کنیم، خداوندان نعمتش را بیفزاییم، تا در آنجا تبهکاری کنند، آن گاه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را درهم فرو کوبیم.» (اسراء / ۱۶)

آموزه های اسلام به این نکته اشاره نموده و فقر را مایه خواری و از دست دادن جایگاه اجتماعی بر شمرده است. [۷]، [۱۵]

نتیجه چنین احساسی، آثار نامطلوبی است که بر شخصیت و روان و اراده آدمی گذاشته می شود و افزون بر ایجاد عقده حقارت، مانعی در شکوفایی استعدادها و توانمندی های وی به شمار می رود.

۲-۵- تشویش و اضطراب:

فقر مادی و فشارهای اقتصادی، آدمی را می آزارد و پیوسته جان و دل او را به خود مشغول می دارد و تشویش و اندوه، آرامش روحی وی را بر هم می زند و روشن است که انسان مضطرب و نگران کمتر می تواند کار مفیدی انجام دهد. [۱۶] از این رو عناصری مانند قناعت، و خشنودی از خواست الهی، نقش مؤثری در حفظ آرامش روان آدمی خواهد داشت. امام صادق (ع) می فرماید: « خمس خصال من فقد واحده منهن لم یزل ناقص العیش، خزائل العقل، مشغول القلب؛ ... الثالثه: السعه فی الرزق ... پنج خصلت است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، پیوسته زندگی اش ناقص، خردش تباه و دلش مشغول خواهد بود ... سوم: وسعت در روزی [۱۷] و نیز امام علی (ع) می فرماید: « ان الفقر ... جالب للموم. به راستی فقر اندوه آور است [۱۸]

(ب) اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی):

رفاه زدگی و مصرف گرایی مفرط در تامین لذت های مادی که در قرآن با تعبیر «اتراف» یاد شده، ممنوع و مورد نکوهش قرار گرفته است و آموزه های اسلامی در آیات و روایات متعدد به نکوهش اتراف و بیان ویژگیهای مترفان پرداخته و عواقبی سوء برای آنان بر شمرده و آن را عامل نابودی جوامع دانسته است. (نک: اسراء / ۱۶؛ انعام / ۴۴-۴۵)

۱- مفهوم شناسی اتراف:

اتراف از واژه (ترف) به معنای نعمت و برخورداری از آن به کار رفته است و مترف به کسی گویند که نعمت فراوان و غرق شدن در شهوات و خوشگذرانیها، او را به غرور و سرکشی، واداشته است. [۱۹] و در ازای شکر و ستایش خداوند متعال، سرکشی و کفران نعمت می کند. [۲۰] و گفتنی است که این واژه، ویژه ثروتمندان است. [۲۱]

ثروت زیاد، مصرف گرایی، رفاه زدگی و تجمل گرایی همراه با غرور و طغیان ناشی از آن، و اختلاف فاحش طبقاتی، از معیارهای تشخیص اتراف است. در این فرهنگ، مصرف علاوه بر ارزش مادی، ارزش نمادین نیز دارد. [۲۲]

نتیجه

فقر، به عنوان اولین و مهمترین بیماری اقتصادی است که اثرات مخربی چون: انزوا، خود کمترینی، کینه و دشمنی، تشویش و اضطراب، کفر و... را در پی دارد. اتراف، نیز از دیگر بیماریهای روانی اقتصادی در اجتماع می باشد که آن نیز عامل مهمی در بیماری روانی اقتصادی در اجتماع است.

*راهکارهای قرآن و تعالیم اسلامی برای درمان بیماریهای اقتصادی:

قرآن کریم و روایات، از دیرباز بیماریهای روانی اقتصادی را پیش بینی نموده و راهکارهایی را برای آنان ارائه داده اند. فقر، اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) و سرقت از بیماریهایی است که ما در این مجموعه به آن پرداخته ایم. اینک به راهکارهای قرآن و روایات در این موضوع می پردازیم.

الف) در مقابله با فقر:

قرآن کریم و روایات، راهکارهای متعددی جهت درمان و ریشه کن کردن فقر در عرصه اجتماع دارد، که اصلی ترین آنها عبارتند از:

۱- دعوت به کار و تلاش و تقوای فردی:

بی گمان یکی از عوامل فقر، بیکاری و کم کاری جامعه است. از این رو آموزه های دینی، با هدف فقر زدایی از جامعه، به عنصر کار و تقویت وجدان کاری، تاکید فراوان می شود. و استفاده از منابع تخصیص یافته برای رفع فقر، و تأمین نیازهای محرومان همچون زکات، تنها برای آن دسته از محرومان است که بر اثر بیماری، پیری و حوادث و مانند آن گرفتار نادانی و فقر شده اند. بنابراین استفاده از آن، برای کسانی که فرصت و توان اشتغال به کار را دارند. مجاز نیست. چنان که امام باقر(ع) می فرمایند: «ان الصدقه لا تحل لمحترف و لا لذی مره سوی قوی فقز هوا عنها، صدقه برای پیشه ور و نیز کسی که تندرست و توانمند است، حلال نیست، پس، از گرفتن آن خودداری کنید.» [۱۸] بدین سان رعایت دقیق دستورات دینی، زمینه ی هر گونه استفاده نادرست از فرهنگ انفاق را، که خلاف هدف نهایی آن یعنی فقر زدایی است، از میان می برد. افزون بر این، تقوی فردی و توکل به خدا به معنای واقعی کلمه [۳۲]، [۳۳] در کنار کار و تلاش، روزی را افزایش داده و فقر را ریشه کن می کند [۳۴] و بی تقوایی توانمندی ها را در راههای زیانبار و غیر مفید تباه می سازد [۳۵] و هیچ گاه جوامع با کفر و بی ایمانی، به پیشرفت اقتصادی نرسیده اند. [۳۶]، [۳۷]

۲- حذف ثروت از معیارهای ارزیابی:

مادپگران و متکثران، ارزش را تنها منحصر در قدرت مالی و گاه نفرت و فرزندان خود می دانند و حتی آن را معیار قرب الهی می شمردند، و در طول تاریخ، پیوسته در برابر جبهه حق و پیامبران، این معیار را علم می کرده اند.

در مقابله با این اندیشه، در جای جای قرآن کریم، بر این نکته تاکید شده است که دارا بودن ثروت، نه ملاک قرب و محبوبیت در درگاه الهی است و نه معیار ارزیابی افراد و احراز صلاحیت آنان برای تصدی مسئولیتها(نک: سب/۳۷؛ زخرف/۳۳-۳۴).

ازسوی دیگر، قرآن کریم گاه ثروت فراوان را نوعی عذاب، کیفر گناهان و نشانه استدراج متکثران بر می شمرد.(نک: توبه/۵۸۵ و ۸۵؛ فجر/ ۱۵-۲۰)

در روایات نیز ثروت، معیار ارزش گذاری نیست، چنانکه امام صادق(ع) می فرمایند:

«أتری الله أعطی من أعطی من کرامته علیه و منع من منع من هوان به علیه؟ لا ولكن المال ماله الله لفيعه عند الرجل ودائع...؛ آیا چنین پنداری که خداوند به آنکس که (مالی) عطا کرده، از آن روست که وی را گرمی و از آن کس که منع کرده خوارش نموده است؟ بلکه مال، ازان خداست که آن را نزد آدمی به ودیعت نهاده است.» [۳۸]

بنابراین ثروت از دیدگاه اسلام، نه ملاک ارزش و برتری، که وسیله تأمین زندگی است و قوام و ساکن بخش آن است، از این رو، گنجینه ساختن و تفاخر به آن، بازداشته شده است [۳۹] تاکید بر همنشینی با محرومان و دوری از متکثران واژه «تکاثر» در پاره ای از روایات به معنای «ثروت اندوزی نا به حق» بکار رفته است. [۴۰]

همنشینی با محرومان، افزون بر آنکه آدمی را از احوال آنان و وضع معیشتی شان آگاه می سازد و روحیه ی فروتنی و نوع دوستی را در وی تقویت می کند، گاهی مؤثر در بازگرداندن شخصیت حقیقی، کرامت و اعتبار اجتماعی آنها به شمار می رود و آنان را از انزوای اجتماعی به در می آورد. در سیره ائمه اطهار(ع) نیز این مساله به روشنی نمایان است. برای نمونه بنگرید:

امام حسین(ع) به تعدادی مسکین گذشت که تکه هایی(نان) بر روی عیابی گذارده بودند و می خوردند. حضرت به آنان سلام کرد. آنان، امام(ع) را به خوردن غذا دعوت کردند و امام(ع) کنارشان نشست. [۴۱]

از دیگر سو، آموزه های دینی به دوری از متکثران و به ویژه چشم نداشتن به ثروت آنان دستور داده است(نک: طه/۱۳۱؛ کهف/۲۸؛ شعراء/۱۵۱-۱۵۲؛ قلم/۱۰-۱۴) امام باقر(ع) می فرمایند:

«لا تجالس الاغنيا، فان العبد مجالسهم و هویری ان الله

۲- برقراری عدالت اجتماعی:

در بعد اقتصادی، انباشته شدن ثروت در دست عده ای محدود، از عوامل مهم بروز پدیده اتراف است، از این رو برقراری عدالت و توزیع عادلانه ثروت، زمینه ی بروز و گسترش آن را می کاهد یا نابود می سازد. امیر مؤمنان (ع) عامل اصلاح و ساماندهی امور جامعه را دادگستری می داند: «الرعيه لا يصلحها الا العدل؛ توده های مردم را جز عدالت، اصلاح نکنند» [۴۵] البته این مطلب بیانگر آن نیست که همه مترفان در جامعه با بی عدالتی اجتماعی به این وضعیت رسیده اند بلکه بیانگر این مهم است که برقراری عدالت اجتماعی با از بین رفتن اتراف ارتباط مستقیمی دارد.

۳- تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی:

حاکمیت ارزشهای اترافی و رفاه زدگی بر یک جامعه در کنار ضعف بنیانهای اعتقادی، بستر مناسبی برای گسترش روحیه اترافی، به وجود می آورد. بنابراین نخستین گام برای مقابله با آن - همچون دیگر مفاسد اقتصادی - تقویت باورها و تحکیم ارزشهای اصیل در جامعه است. [۳۹] از این رو قرآن کریم، پیوسته مترفان را به فرجام دردناک اخروی آن بیم می دهد و به ارزشهای اخلاقی، اصالت می بخشد. (نک: انبیاء/ ۱۲-۱۵)

ج) در مقابله با سرقت:

قرآن کریم و روایات راهکارهای متعددی جهت مبارزه، درمان و پیشگیری از ناهنجاری سرقت بیان می دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- کیفر سارق، راهی به سوی بهداشت روان اقتصادی جامعه:

مجازات در آراستگی زندگی گروهی و ساماندهی به پیوندهای افراد، بی گمان راه کاری بایسته و سازگاری سامانده به شمار می آید. این رویکرد از آن روست که از یک سو، آنان را به باید و نبایدهای خود در بستر این هم زیستی آشنا می سازد و از دیگر سوی، آنها را به گردن نهادن به این وظایف، در برابر آن، مسئول و پاسخ گو می انگارد. وانگهی، سودجویی ها و خواستنی های پایان ناپذیر انسان در کشاکش این زندگی اجتماعی او را به دست اندازی به حقوق دیگران وسوسه می کند. همان که آرامش سیمای عادی جامعه را به آشفتگی دچار می سازد، این جاست که کیفر به عنوان ابزاری مهارگر در آموزه های دینی و اندیشه دانش کیفر گذاشته شده است. تا به گمان خود در برابر این آسیب وسیله ای کارگر را فراهم دیده باشد. در قرآن و روایات نیز مجازات جایگاهی بس برجسته دارد.

علیه نعمه فما يقوم حتی یری ان لیس الله علیه نعمه؛ با ثروتمندان همنشینی مکن. چرا که بنده در حالیکه خود را مشمول نعمت الهی می داند، با آنان همنشینی می کند ولی پس از برخاستن از مجلس چنین می پندارد که خداوند به او نعمتی نداده است» [۱۷]

۳- رسیدگی اغنیاء به محرومان:

از مهمترین وظایف ثروتمندان جامعه، رسیدگی به حال فقیران و نیازمندان است هم از بعد عاطفی (عدم تحقیر آنها و احترام به شخصیت آنان و...) [۴۲] و هم از بعد مالی - در بعد مالی، انفاق مالی، جایگاه ممتازی در مکتب اقتصادی و اخلاقی اسلام دارد به طوریکه در قرآن کریم بیش از ۱۹۰ آیه (حدود ۳ کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته در این آیات با شیوه های گوناگون به اهمیت و ترغیب توانگران به این امر اشاره شده است، از جمله: انفاق، از ارکان و نشانه های راستی ایمان است (نک: انفال / ۳-۴، حجرات / ۱۵) و هم ردیف نماز (نک: بقره / ۳) و جهاد با جان (نک: بقره / ۱۹۳-۱۹۵؛ توبه / ۴۱) و تهجد شبانه (نک: سجده / ۱۶) و نشانه متقین (نک: آل عمران / ۱۳۳-۱۳۴) و گردنه ای در مسیر تکامل (نک: بلد / ۱۱-۱۴) نیز سودایی است مقدس که خداوند خریدار است و مؤمن فروشنده و بهشت بهای آن (نک: توبه / ۱۱۱).

اهتمام فراوان آموزه های دینی به انفاق نشان از نقش مؤثر این عنصر، در ساماندهی امور اقتصادی، اجتماعی و دینی دارد. [۴۳] چه نهادینه شدن فرهنگ انفاق از مهمترین عوامل توزیع عادلانه ثروت است و فقر و تکاثر، و آثار نامطلوب اعتقادی و اجتماعی آن را از جامعه می زداید.

ب) در مقابله با اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی):

قرآن کریم و روایات، جهت درمان و مقابله با اتراف راهکارهایی را عنوان می دارد که مهترین آنها به قرار زیر می باشد:

۱- دوری خواص از اتراف:

خواص و شخصیت های تاثیر گذار جامعه از زندگی اشرافی و اترافی باید بر حذرباشند چرا که آنان الگو و اسوه هایی برای توده های مردم به شمار می روند و شیوه زندگی آنان تاثیر فراوانی بر دیگران می گذارد. [۶]

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به عنوان الگو و اسوه جهانیان، از مظاهر زندگی اترافی و حتی از مصادیق جزئی آن، سخت پرهیز می کردند، هنگامی که برای رسول خدا (ص) نوشیدنی بسیار گوارایی آوردند، فرمود: «أخروه عنی، هذا شرب المترفین؛ آن را از من دور سازید که این نوشیدنی مترفان است.» [۴۴]

بریدن دست، تنها به سرقت حدی پیوسته است و گونه‌ی تعزیری آن تنها کیفر زندان دارد.

۲- در این حکم فرقی میان مرد و زن نیست. که این خود می‌تواند از اهمیت و قاطعیت حکم حکایت کند.
 ۳- حکم مزبور، کیفر و مجازات بوده، و نتیجه‌ای است که بزه‌کاران از کار خود گرفته‌اند و خود کرده را تدبیر نیست و جمله‌ی «جزاء بما کسبا» گویای این معنای باشد و بیان می‌دارد که مجازات بریدن دست، ره آورد کار خود دزد است و پیامدی است که خود او برای خویش دست و پا کرده است. [۴۶] زیرا وی با آزادی و اختیار بی‌آنکه اضطراب، تهدید و اجباری در کار باشد دست رنج و حاصل تلاش دیگران را ربوده و از آن خود کرده است. بدین سان، جزا و کیفر مزبور کسب خود او می‌باشد.

برخی آیه را به گونه‌ای دیگر معنا کرده‌اند و آن اینکه، بریدن دست دزد از آنرو می‌باشد که با دستان خود مالی را از راه دزدی به دست آورده است. ولی بیشتر مفسران بر این باورند که دلیل بکار بسته شدن آن، استحقاق بنده می‌باشد. به دیگر سخن، جزا حق بنده است و نکال، حق خدا.
 ۴- جمله‌ی «والله عزیز حکیم» که مشتمل بر دو صفت است. روشن‌گر این حقیقت است که خداوند در عین عزت دارای حکمت است نه مانند قدرتمندانی که برخلاف حکمت عمل می‌کنند و نه مانند آن حکیمی که دارای قدرت و قاطعیت نباشد. لذا اگر خداوند به نحو قاطع، حکم به قطع دست سارق، یا مجازات دیگر مجرمین و قصاص متجاوزین می‌نماید. این حکم ناشی از قدرت و قهر و غلبه‌ی او نیست. بلکه ناشی از حکمت و واقعیت‌نگری و مصلحت‌خواهی نسبت به بندگان است. که با قدرت و حاکمیت او به اجرا در می‌آید.

۱-۲- کیفر سرقت در روایات:

در قرآن کریم مجازات سرقت به صورت کلی و بدون وارد شدن در جزئیات مساله و شرایط آن (همان گونه که مشی و سلوک قرآن بیان کلیات است و همین خصیصه خود یکی از عوامل تطابق آیات قرآنی با زمان‌ها و مکان‌های مختلف است گویی همچون خورشیدی تابان که بر عرصه‌های زمانی و مکانی بدون هیچ محدودیتی می‌تابد) بیان شده است. و آگاهی از جزئیات آن تنها با بازگشت به روایات معصومان شدنی است. فقها نیز بر پایه‌ی همین روایات شرایط به کار بسته شدن این مجازات را یاد آور شده‌اند. به عنوان شاهد و نمونه به نقل حدیثی از امام رضا(ع) بسنده می‌کنیم:

امام رضا(ع) درباره‌ی علت حکم سرقت می‌فرماید: «

این برجستگی از آن رو می‌باشد که با ویژگی مختار بودن انسان پیوند خورده است. زیرا هنگامی که پذیرفتیم انسان موجودی مختار می‌باشد دست آورد این حق اختیار، مسئول بودن او در برابر هر گزینشی خواهد بود. و مسئول بودن نیز بدون پاداش و کیفر بی‌معناست. [۴۶]
 یاد کردنی است که این کیفرها، شرایط خاصی دارند که مجال بررسی آنها در این مقال نیست. [۴۷]، [۴۸]، [۴۹]، [۵۰] در این بخش بر آنیم تا مجازات و کیفر این جرم را از نگاه میان‌ی اسلام مورد ارزیابی قرار دهیم.
 کیفر سارق به جامعه این نوید را می‌دهد که مردم می‌توانند در سایه سار امنیت مالی در این حیطة، به زندگی روز مره خود بپردازند و آرامش خاطر و فراخ بال داشته و آشفستگی روانی را از خود دور نمایند.

۱-۱- کیفر سرقت در قرآن:

قرآن کریم، عمل سرقت را جزو اولین محرمات به شمار آورده است. این معنا را می‌توان به وضوح در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی ممتحنه مشاهده نمود. در این آیه خداوند ضمن بر شمردن موادی که می‌بایست هنگام بیعت با خدا و پیامبر مورد قبول و تعهد مؤمنان قرار گیرد و پس از تقبیح شرک و نهی از آن، حکم سرقت را بیان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعَنَّكُ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ...»؛ ای پیامبر، آنگاه که زنان با ایمان نزد تو آیند تا بیعت بر آن کنند که برای خدا چیزی را شریک نسازند و دست به دزدی نبرند واز زنا بپرهیزند...» (ممتحنه/ ۱۲)

اما آیه متعرض کیفر سرقت از قرار ذیل می‌باشد: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * فَمَنْ تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند دست‌شان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، خداوند فرمانروای توانا و حکیم است. پس اگر کسی پس از ارتکاب ظلم، توبه کند و صالح شود همانا خداوند توبه‌خواه را می‌پذیرد و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.» (مائده/ ۳۸ و ۳۹)

از بکار بسته شدن این مجازات به عنوان قصاص که بگذریم قرآن کریم آن را به گونه‌ی مشخص در مورد جرم دزدی به کار برده است. آیه‌ی فوق، حکم سرقت و فلسفه‌ی آن را بیان نموده، و ضمن اشاره به حکمت و رحمت خداوندی، برای خروج از این کیفر و عقوبت، رهنمود می‌دهد. مطالبی از این آیه استنتاج می‌شود که بررسی و بیان آنها تا اندازه‌ای از زوایای این مجازات پرده برمی‌دارد:

۱- حکم سرقت عبارت از قطع و بریدن دست است البته

الهی را این گونه بیان داشت: «لیس فی الحدود نظر ساعة؛ در اجرای حدود الهی، حتی لحظه ای درنگ روا نباشد.» [۵۰]

بدین سان در روایات معصومین (ع) افزون بر همسویی با قرآن در حقانیت مجازات بریدن دست دزد، بر اجرای فوری و بی مسامحه ی آن پا فشاری شده است. این رویکرد از آن رو می باشد که مجازات مزبور از گونه ی حدود می باشد. نه تعزیرات تا به کارگیری انعطاف در آن روا باشد. گفتنی است به دلیل اهمیت موضوع، حکم ثابت و دگرگون ناپذیر -بریدن دست دزد- وضع شده است. و اسلام برای جرائم کم اهمیت، مجازات برگشت پذیر تعزیر را وضع کرده است. که نمونه ی آن سرقت غیر حدی یا تعزیری می باشد.

۲- آموزش اعتقادات دینی در سطح جامعه:

اهمیت موضوع اعتقادات در جامعه بر کسی پوشیده نیست. و به علت نقش و تأثیر شگرف مسائل اعتقادی در درمان بسیاری از بیماریهای روانی از جمله بیماریهای روانی اقتصادی و به طور خاص سرقت، ضروری است که مسئولین جوامع به این مهم، اهمیت ویژه ای قائل شوند. در بررسی افرادی که در مراکز، بازپروری می شدند ضعف شدید پایبندی به اصول اعتقادی و دینی دیده شد. [۲۸] اعتقادات دینی به دو علت اساسی موجب جلوگیری از ارتکاب اعمال خلاف می گردد. در دل و اندیشه انسان مؤمن هوا و هوس راه ندارد. او اسیر حرص و آز نبوده و بنده مظاهر دنیوی نیست. هیچ نیرویی او را از مسیر هدایت منحرف نمی کند. با قناعت و توکل بر خداوند نیازهای دنیایی را در حد ضرورت به طریق مشروع تهیه و نیازها را از راه صحیح برآورده می سازد. [۳۱] اعتقاد به حلال و حرام علت دومی برای عدم تصور ارتکاب خلاف از سوی انسان های پرهیزکار است.

نتیجه

فقر، اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) و سرقت، از مهمترین بیماریهای روانی اقتصادی هستند. کار، تلاش و تقوای فردی، حذف ثروت از معیارهای ارزیابی، همنشینی با محرومان و دوری از متکاثران و رسیدگی اغنیاء به محرومان، از جمله راهکارهای قرآن و روایات، جهت درمان بیماری فقر و در نتیجه رسیدن به بهداشت روانی اقتصادی در عرصه اجتماع می باشد. قرآن و احادیث شریفه برای درمان بیماری اتراف رهنمودهایی دارد از جمله آنان می توان به دوری خواص از اتراف، برقراری عدالت اجتماعی، تقویت باورهای ایمانی و ارزشهای اخلاقی اشاره نمود.

وعلة قطع الیمین من السارق لانه تباشر الأشياء بیمینه و هو افضل أعضائه و أنفعها له فجعل قطعها نکالا و عبرة للخلق لئلا یبغوا أخذ الاموال من غیر حلها، و لانه اکثر ما یباشر السرقة بیمینه، و حرم غصب الاموال و أخذها من غیر حلها لما فيه من أنواع الفساد، و الفساد محرم لما فيه من الفناء و غیر ذالک من وجوه الفساد، و حرم السرقة لما فيها من فساد الاموال و قتل الأنفس لو كانت مباحة و لما یأتی فی التغاصب من القتل و التنازع و التحاسد و ما یدعوا الی ترک التجارات و الصناعات فی المکاسب و اقتناء الاموال إذا کان الشیء المقتنی لا یكون أحدا أحق به من أحد؛ علت اینکه حکم به قطع دست راست سارق شده، آن است که دست راست با اشیاء سرکار دارد. و بیشتر اوقات با آن اقدام به سرقت می شود. و دست راست یکی از برترین و سودمندترین اعضاء می باشد. از این رو قطع آن مقرر گشته تا کیفی بازدارنده و موجب عبرت خلق باشد که به اموال مردم از غیر مسیر حلال چشم ندوزند. و غصب اموال و تحصیل آن از غیر حلال تحریم شده بود زیرا این کار موجب انواع فساد بوده و فساد حرام است. چه آن که موجب خرابی و نابودی هاست و سرقت تحریم شده بود زیرا اگر حرام نمی شد. عامل تباهی اموال و کشتار نفوس می گشت. و نیز بدان جهت که انگیزه ای در جهت گسترش تعدی ها از قبیل قتل، نزاع، حد و ترک تجارت و کسب و صنعت و دست اندازی به دست رنج کسانی است که خود بدان سزاوارترند.» [۵۰]

همان طور که می بینیم فلسفه ی تحریم سرقت در این روایت به طور مشروح بیان گشته است. و کوچک ترین و دقیق ترین نکات نیز از نظر پنهان نمانده است. این روایت تأکید بر آن دارد که بازتاب سرقت، زیان های فراوانی از قبیل: قتل، کینه، عداوت، فساد اخلاقی، خسارات اقتصادی و بلاخره زیان های فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. و از این رو باید فردی که با دست خود چنین اقدام خطرناکی را نموده با بریدن چهار انگشت آن دست تجاوزگر، کیفر شود. تا جامعه از تبعات آن در امان بماند. [۲۶]

عده ای معتقدند بریدن دست سارق به علت برون رفت وی از حدود الهی در بدست آوردن دارایی است. این رویکرد با نص صریح قرآن کریم که کیفر خوار کننده را به زیر پا گذارندگان حدود الهی وعده داده است. (نساء/ ۶۱) همسو است. امام علی (ع) نیز در این باره می فرمایند: «إِنَّ لِلَّهِ حَدَّ حُدُوداً فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ فَرَضَ فَرَائِضاً فَلَا تَنْقُصُوهَا؛ به درستی که خداوند حریم هایی دارد. پس پای را از آن فراتر نگذارید و نیز اموری را واجب کرده است. پس در آنها کاستی روا مدارید.» [۵۰]

همچنین آن حضرت (ع) اهمیت به کار بسته شدن حدود

آموزش اعتقادات دینی در سطح جامعه و مجازات سرقت از دیگر راهکارهای قرآن و روایات در درمان معضل سرقت در جامعه می باشد.

رهنمودها و راهکارهای قرآن و روایات در این بخش نیز مانند سایر بخش ها مثمر ثمر می باشد و با عمل به این دستورات، بهداشت روانی در جامعه حاکم خواهد گشت.

منابع

قرآن کریم

۱. نوربالا وهمکاران، نگاهی بر سیمای بهداشت روان در ایران، چاپ اول، مولف، تهران، ۱۳۸۰ ش
۲. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ارسباران، تهران، ۱۳۸۰ ش
۳. حسینی، سید ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، دانشگاه علوم پزشکی، مشهد، ۱۳۷۷ ش
۴. صانعی، سیدمهدی، بهداشت روان در اسلام، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۲ ش
۵. شاملو، سعید، بهداشت روانی، چاپ سیزدهم، رشد، تهران، ۱۳۷۸ ش
۶. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، فیض الاسلام، تهران، ۱۳۲۸ ش
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۲، ۶۹، ۹، تحقیق: محمد باقرالمحمودی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۸. احسانی (ابن ابی جمهور)، محمد بن علی، عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه، تحقیق: مجتبی العراقی، چاپ اول، مطبعه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ ق
۹. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ ق
۱۰. شاکر، محمد، ففرو غنا در قرآن وحدیث، چاپ اول، راین، تهران، ۱۳۷۸ ش
۱۱. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ناشر مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۹ ق
۱۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند، ج ۱، تحقیق محمد عبدالله درویش، چاپ دوم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
۱۳. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، ج ۲، چاپ دوم، المجمع العلمی للشهیدالصدر، بی جا، ۱۴۰۸ ق
۱۴. میر معزی، حسین، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها)، چاپ اول، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۸ ش
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۱، تحقیق: مکتبه المعارف، مکتبه المعارف، بیروت، بی تا
۱۶. قرضوی، یوسف، دور القیم و الاخلاق فی الاقتصاد

- الاسلامی، چاپ اول، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۷ ق
۱۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، ج ۱، انتشارات کتابخانه اسلامیه، بی جا، ۱۳۶۲ ش
۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول الکافی، ج ۲ و ۳، شرح محمد باقر کمره ای، چاپ اسلامیه، تهران، بی تا
۱۹. ابن منظور مصری، جمال الدین محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۴، دار صادر و دار بیروت، بیروت، ۱۳۸۸ ق
۲۰. طبری، محمد بن محمد، بشاره المصطفی لشیعیه المرتضی، المطبعه اللحدیره، نجف، ۱۳۸۳ ق
۲۱. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۱۴، چاپ دوم، مکتب آیه الله المدرسی، بی جا، ۱۴۰۷ ق
۲۲. گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ ش
۲۳. تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، چاپ پنجم، نشر علم، تهران، ۱۳۷۰ ش
۲۴. فروم، اریک، گریز از آزادی، ترجمه: داوود حسینی، چاپ اول، انتشارات گلشایی، تهران، ۱۳۶۳ ش
۲۵. هاتفی اردکانی، حسین، پی جویی سرقت، چاپ اول، انتشارات جهان جام جم، تهران، ۱۳۸۴ ش
۲۶. رهبر، محمد تقی، کیفر سرقت در قوانین جزائی اسلام، نشر بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۱ ش
۲۷. حیدری نراقی، علی محمد، حق الناس، نشر مهدی نراقی، قم، ۱۳۸۶ ش
۲۸. قربان حسینی، علی اصغر، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱ ش
۲۹. ریچارد، جان، فرهنگ انگلیسی به فارسی، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، بی تا
۳۰. دهقان، حمید، بررسی قانون سرقت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی جا، بی تا
۳۱. صادقیان، احمد، قرآن و بهداشت روان، چاپ اول، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۶ ش
۳۲. ترمذی (ابو عیسی)، محمد بن عیسی، سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، تحقیق: احمد محمد شاکر، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
۳۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، چاپ اول، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ ق
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، التمیمه الاقتصادیه فی الکتاب و السنه، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۰ ش
۳۵. ساعی، احمد، مسائل سیاسی، اقتصادی جهان سوم، چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۷۸ ش
۳۶. شریف النسبیه، مرتضی، چرخه توسعه راهنمای رشد

- شتابان، چاپ اول، موسسه خدماتی فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۵ش
۳۷. ساعی، احمد، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی، سیاسی جهان سوم، چاپ دوم، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۵ش
۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ش
۳۹. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴ش
۴۰. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ج ۲، منشورات الرضی، قم، بی تا
۴۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، علامه، قم، ۱۳۷۹ش
۴۲. اسکافی (ابن همام)، محمد بن همام، التمهیص، تحقیق: مدرسه الامام المهدی (عج) مدرسه الامام المهدی (عج)، قم، بی تا
۴۳. نمازی، حسین، نظامهای اقتصادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴ش
۴۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، دار صادر، بیروت، بی تا
۴۵. آمدی، عبد الرحمن بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: محمد علی انصاری، تهران، بی تا
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش
۴۷. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، چاپ اول، دار العلم، قم، بی تا
۴۸. طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی بن محمد ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، چاپ اول، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۸ق
۴۹. حسنی، علی اکبر، جرم ها و مجازات ها در اسلام، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۲ش
۵۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۸، تصحیح و تحقیق: عبد الرحیم ربانی شیرازی، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ق

